مجله ره آورد سلامت ،دوره ۲ ،شماره ۱ ، بهار ۱۳۹۵ http://Rsj.iums.ac.ir مقاله علمی

کاهش تعارضات زناشویی با آموزش مهارت حل مسأله در مراجعین به مرکز مشاوره کمیته امداد امام (ره) شهر ایلام

شهرام مامی: استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد ایلام، ایلام، ایران shahram.miami@yahoo.com
عبدالمحمد صفری: دانشجوی دکترای روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران safariam@yahoo.com
مرتضی منصوریان: استادیار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران ، ایران mansourian55@gmail.com
مصطفی قربانی، استادیار اپیدمیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران و مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، پژوهشکده علوم جمعیتی غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران mqorbani1379@ yahoo.com
__ستار کیخاونی__: دانشیار دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
skaikhavani@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مشکلات شایع در روابط زوجین تعارض زناشویی است، که ممکن است به صورت افسردگی، اعتیاد، سوء رفتار با همسر و درگیری لفظی بروز نماید. این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر تعارض زناشویی در مراجعین به مرکز مشاوره کمیته امداد امام (ره) شهر ایلام در سال ۱۳۹۰ انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع نیمه تجربی مورد شاهدی بود. جامعه مورد مطالعه زوجین دارای تعارض مراجعه کننده به مرکز مشاوره کمیته امداد امام خمینی شهر ایلام بود. نمونه شامل ۱۲ زوج بود که به صورت تصادفی به دو گروه مورد و شاهد تقسیم شدند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه نود دقیقه ای مهارت حل مسأله را آموختند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) بود. داده ها با نرم افزارSPSS در سطح معنی داری (p-value<۰/۰۵) آنالیز گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که دو گروه مورد و شاهد در میانگین نمره های افزایش همکاری، افزایش رابطه جنسی، کاهش واکنش های هیجانی، کاهش روابط فردی با خویشاوندان خود، افزایش روابط فردی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر، تفاوت معنی دار با هم دارند (p <۰/۰۵).

نتیجه گیری: بین زوجین گروه آزمایش که تحت آموزش مهارت حل مسأله قرار گرفته اند و گروه کنترل از نظر تعارض زناشویی تفاوت معنی داری وجود داشت. بنابراین به نظر می رسد اجرای برنامه آموزشی مهارت حل مسئله در کاهش تعارض زناشویی زوجین موثر باشد.

کلید واژه ها: مهارت حل مسأله، تعارض زناشویی، آموزش

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

مقدمه

بی شک خانواده بنیادی ترین نهاد و تشکل، در طول تاریخ و تمدن انسانی و مهمترین رکن اجتماع تلقی می گردد. خانواده از دیدگاه دینی و فرهنگی ما دارای اهمیتی ویژه است، که در پاسخ به نیاز فطری بشر شکل گرفته است. انسان بر اساس سرشت و نیاز ذاتی خویش به انس و الفت با دیگران و مصاحبت و همراهی و همراز شدن با آنان نیازمند است و خانواده نهادی است که به این نیاز فطری بشر به صورت طبیعی، عمیق و آرام بخش پاسخ می دهد (۱). بنابراین بنیان خانواده بر اساس پیمان زناشویی میان زن و شوهر شکل می گیرد تا در کنار هم زندگی آرام و سعادتمندی را تجربه نمایند، ولی متأسفانه شواهد فراوانی گویای آن هستند که زوج ها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و دوستانه به مشکلات شدید و فراگیری دچارند. یکی از مشکلات شایع موجود در روابط زوجین که مورد توجه درمانگران واقع شده است تعارضات زناشویی است (۲). این مشکل ممکن است اشکال گوناگون داشته باشد و به صورت افسردگی، یک یا هر دو زوج، اعتیاد، رشد، رفتار اختلال آمیز بین فرزندان، سوء رفتار با همسر و درگیری لفظی یا فیزیکی بین زوجین بروز نموده و نهایتا منجر به طلاق گردد (۳).

تعارض بین فردی به عنوان نوعی تعامل که در آن، اشخاص تمایلات، دیدگاه ها و عقاید متضادی را بیان می کنند، تعریف می شود که بعضی محققان آن را رخدادی عادی در زندگی زناشویی می دانند (۴، ۵).

از نظر کرچلر و رودلر و میر[1] درگیری و تعارض در روابط زناشویی به خاطر تصمیم گیری های مشترکی که اتخاذ می کنند امری طبیعی است و در فرایند تصمیم گیری دو نفر، اختلاف نظر امری طبیعی است. شدت تعارض می تواند در دامنه ای از تفاوت آشکار در نقطه نظرات زن وشوهر تا اختلاف جدی در اهداف، ارزش ها و آرزوها قرار گیرد. آنها عقیده دارند تعارض در ارتباط نزدیک، امری اجتناب ناپذیر است (۶).

تعارضات میان افراد و زوجین ضرورتا مخرب نیستند، بلکه این تعارضات زمانی مخرب می گردند که ما اسلحه هایمان را به جای مشکل یا مسأله به طرف یکدیگر نشانه بگیریم. یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم این است که زوجین یاد بگیرند چگونه با هم مرتبط و چگونه با هم متفاوت باشند. آنچه که اهمیت دارد سبک مقابله با تعارض است (۷). اگر تعارض به طور کارآمد مدیریت شود، از سکون و رکود ارتباط جلوگیری کرده و در زوجین، مهارتهای مثبت و کارآمد منطبق با رویدادهای فشار زا ایجاد می کند، حتی یادگیری این رویکرد انطباقی، می تواند فرد را در مقابل دیگر رویدادهای فشارزای زندگی هم مقاوم تر کند (۷). ولی اگر تعارض بطور ضعیفی اداره شود موجب تخریب زندگی زناشویی شده و اثرات زیان آوری بر سلامت فیزیکی و هیجانی زوجین به جا می گذارد (۳) و می تواند موجب ایجاد دامنه ای از مشکلات رفتاری و هیجانی زوجین و کودکانی شود که در معرض تعارضات والدین هستند (۷).

در واقع برنامه مهارت های ارتباطی زوجین بیشترین تحقیقات را در میان برنامه های آموزش مهارت های زناشویی به خود اختصاص داده است (۸). درمان حل مسأله را به این دلیل که کوتاه مدت و مؤثر بوده و مراجع می تواند به راحتی آن را فرا گیرد و نیز به دلیل اینکه عوارض سوء ندارد و مستقیما متوجه مشکلات مراجع می شود توصیه می کنند (۹). هانسون و لندبلند (۱۰) در پژوهشی نشان دادند که آموزش مهارت های ارتباطی و حل تعارض به زوجینی که در تعاملات زناشویی مشکل داشتند، باعث بهبود روابط زناشویی زوجین و کاهش تعارضات و افزایش سلامت روان در آنان می گردد.

[1] - Kirchler, Rodler &Meier

Email:rsj@iums.ac.ir

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

اکنون با درک این مطلب، مهارت حل مسأله به عنوان یک فرایند ادراکی- رفتاری است که از طریق آن یک فرد، زوج یا یک گروه تلاش می کنند تا راه حل های مؤثر را برای یک مشکل خاص که در زندگی روزمره روی می دهد شناسائی و کشف کنند. پژوهش های متعدد نیز نشان داده اند که آموزش مهارت حل مسأله روشی کارآمد و مؤثر برای حل مشکلات و بهبود تعاملات بین فردی است. از طرفی خانواده های تحت حمایت کمیته امداد به دلیل مشکلات مالی در برخی موارد نسبت به سایر خانواده ها بیشتر در معرض تعارض هستند و مشکلات بیشتری را تجربه می کنند . هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله برتعارض زناشویی در مراجعین به مرکز مشاوره کمیته امداد شهر ایلام در سال ۱۳۹۰ است.

روش کار

جامعه آماری در این پژوهش کلیه زوجینی بودند که به دلیل وجود تعارض و اختلاف و درگیری شـــدید برای حل م شکل روابط فی مابین خود در سال ۱۳۹۰ به مرکز مشـاوره کمیته امداد امام خمینی (ره) شـهر ایلام مراجعه نمودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ا ستفاده شده ا ست. حجم نمونه ۱۲ زوج (۲۴ نفر) بود که به صورت تصادفی انتخاب شدند و پس از انجام م صاحبه اولیه و اجرای پیش آزمون، زوجین به صـورت تصـادفی به دو گروه (۶ زوج) تقسـیم و به حکم قرعه در دو گروه مورد و شـــاهد قرار گرفتند. ابزار اندازه گیری متغیر وابســـته در این پژوهش پرسشنامه تعارض زناشویی بود. این پرسشنامه میزان درگیری تعارض زناشـویی و ابعاد آن را اندازه گیری می کند. این پرســشــنامه یک ابزار ۴۲ ســؤالی اســت که توسط ثنایی (۱۱) تهیه و تنظیم شده و روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته اســـت. این ابزار هفت جنبه یا هفت بعد از تعار ضات زنا شویی را اندازه می گیرد، شامل: کاهش همکاری، کاهش رابطهٔ جن سی، افزایش واکن شهای هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خوی شاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خوی شاوندان همســـر و دوســـتان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. نمره گذاری این ابزار به این صورت ا ست که برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شـده که به تناسـب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده ا ست. حداکثر نمره کل پر س شنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ اســـت. حداکثر نمره هر خرده مقیاس مساوی با تعداد سوالهای آن خرده مقیاس ضرب در ۵ است. در این ابزار نمره بیشـتر به معنی تعارض بیشـتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است (۱۱).

به منظور رعایت اخلاق در پژوهش مجوز لازم از کمیته امداد امام خمینی شهر ایلام به منظور اجرای مطالعه کسب گردید و به افراد اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات کسب شده در این مطالعه محرمانه باقی خواهد ماند.

روش انجام مداخله به این ترتیب بود که بعد از انجام پیش آزمون کلاس‌های آموزش مهارت حل مســـئله برای گروه مورد، برنامه‌ریزی گردید. آموزش در مرکز کانون دائم کمیته ا مداد انجام پذیرفته و آموزش طی ۸ جلســـه ۹۰ دقیقه‌ای برای زوجین دارای تعارض در مدت ۲ ماه به مرحله اجرا درآمد و شش هفته بعد از اجرای برنامه، همان پر س شنامه ها به دو گروه مورد و شاهد داده شد و میزان تاثیر برنامه آموزشی با استفاده از نرم افراز آماری SPSS و آزمون های آماری تی تست و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

نتایج نشـان داد ۵۴،۲ درصـد گروه مورد دارای مشـاغل آزاد که ۹۱،۷ درصـــد آنها را مردان و ۱۶ درصـــد آنها را زنان تشکیل می دادند. ۳۷،۵ در صد، خانه دار بودند که کل آنها زن

Email:rsj@iums.ac.ir

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

بودند. از گروه مورد، ۸،۳ در صد را کارمندان که نیمی از آنان را مردان و نیمی را زنان تشکیل می‌دهند.

از نظر تحصیلات، ۶۶،۷ درصد گروه مورد دارای تحصیلات دیپلم، ۱۶،۷درصد دارای مدرک تحصیلی سیکل، ۸،۳ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و ۸،۳ درصد نیز دارای تحصیلات فوق دیپلم بودند.

۵۸،۳ درصد گروه نمونه ۳ تا ۵ سال و بقیه ۵ تا ۱۲ سال از ازدواج آنها می گذرد. در حالی که در گروه شاهد این ارقام به ترتیب ۴۹/۶ درصد و ۵۰/۴ درصد است. ۳۷،۵ درصد گروه مورد دارای ۲ فرزند، ۲۹،۲ درصد دارای یک فرزند و ۲۵ درصد دارای ۳ فرزند بودند؛ که این آمار در مورد گروه شاهد به ترتیب ۳۲، ۳۸ و ۳۰ درصد بود. بعد از نمره دهی پرسشنامه، نمره ابعاد مختلف پرسشنامه محاسبه شد که نتایج میانگین و انحراف استاندارد نمره های زوجین گروه های مورد و شاهد در ابعاد تعارضات زناشویی در مراحل پیش آزمون و پس آزمون در جدول شماره ۱ آمده است. همانگونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، میانگین نمره های دو گروه در مرحله پیش آزمون تفاوت چندانی با هم ندارند، ولی در مرحله پس آزمون، میانگین نمره های خام ابعاد تعارض زناشویی در گروه مورد، کاهش یافته است.

جدول۱- میانگین و انحراف استاندارد نمره های زوجین گروه های مورد وشاهد در ابعاد تعارضات زناشویی در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

	شاخص آماری	آزمایش		کنترل	
	ابعاد تعارض زناشویی	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پیش آزمون	افزایش همکاری	۱۵/۲۵	۲/۸۹	۱۵/۳۳	۲/۲۶
	افزایش رابطه جنسی	۱۴/۸۳	۲/۲۴	۱۶	۱/۶۵
	کاهش واکنش های هیجانی	۲۴/۴۱	۵/۳۵	۲۶/۹۱	۳/۳۹
	کاهش جلب حمایت فرزندان	۱۷/۱۶	۴/۶۰	۱۴/۲۵	۴/۲۶
	کاهش روابط فردی با خویشاوندان خود	۱۷/۸۳	۳/۰۴	۱۹/۸۳	۵/۵۰
	افزایش روابط فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۱۸/۷۵	۳/۶۹	۱۸/۷۵	۱/۸۱
	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲۰/۷۵	۳/۱۰	۲۱/۵۰	۲/۳۱
پس آزمون	افزایش همکاری	۱۲/۶۶	۲/۰۱	۱۵/۷۱	۲/۴۹
	افزایش رابطه جنسی	۱۲/۶۶	۲/۴۶	۱۶/۰۸	۲/۲۳
	کاهش واکنش های هیجانی	۱۸/۶۶	۴/۴۳	۲۶/۴۱	۳/۷۵
	کاهش جلب حمایت فرزندان	۱۲/۲۵	۲/۴۹	۱۴/۰۸	۳/۹۶
	کاهش روابط فردی با خویشاوندان خود	۱۵/۰۸	۲/۵۷	۱۸/۱۶	۲/۰۸
	افزایش روابط فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۱۴/۷۵	۲/۸۰	۱۸/۳۳	۲/۴۹
	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱۷	۲/۹۸	۲۰/۴۱	۴/۱۴

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

من ویتنی برای مقایسه میانگین نمره های ابعاد تعارض زناشویی در گروه های آزمایش و کنترل نشان داد که دو گروه آزمایش و کنترل در میانگین نمره های افزایش همکاری، افزایش رابطه جنسی، کاهش واکنش های هیجانی، کاهش روابط فردی با خویشاوندان خود، افزایش روابط فردی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر، تفاوت معنی دار با هم داشتند. تنها میان میانگین نمره کاهش جلب حمایت فرزندان در گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی دار وجود نداشت. این نتایج در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون من ویتنی گروه های مستقل برای میانگین اختلاف نمرات پس آزمون در گروه های آزمایش و کنترل در ابعاد تعارضات زناشویی

ابعاد تعارض زناشویی	آزمون من ویتنی		
	t	~~Dd~~f	P
	-۳/۳۳	۲۲	۰/۰۰۳
افزایش رابطه جنسی	-۳/۵۶	۲۲	۰/۰۰۲
کاهش واکنش های هیجانی	-۴/۶۲	۲۲	۰/۰۰۰
کاهش جلب حمایت فرزندان	-۱/۳۶	۲۲	۰/۱۹
کاهش روابط فردی با خویشاوندان خود	-۳/۲۲	۲۲	۰/۰۰۴
افزایش روابط فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	-۳/۳	۲۲	۰/۰۰۳
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	-۲/۳۲	۲۲	۰/۰۰۳

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

بحث

نتایج پژوهش نشان داد که بین زوجین گروه آزمایش که تحت آموزش مهارت حل مسأله قرار گرفته اند و گروه شاهد که تحت مداخله قرار نگرفتند از نظر تعارض زناشویی تفاوت معنی داری وجود دارد و این یافته با نتایج تحقیقات هال فورد و همکاران (۱۲) هانسون و لند بلند (۵)، راتی (۱۳)، مومنی (۱۴)، شفیعی نیا (۱۵)، فرح بخش (۳)، خوشکام و همکاران (۱۶)، و حیدری (۱۷) هم سو است.

یافته های پژوهش مبین تأثیر آموزش گروهی مهارت حل مسئله بر افزایش همکاری زوجین بود. منظور از افزایش همکاری میزان تمایل هر یک از زوجین در توجه به نظرات همدیگر، عدم تمایل به مخالفت و رد کردن بی دلیل نظرات همسر و توافق با هم در زمینه‌های مختلف است (۱۳). در تبیین نتیجه حاصل از فرضیه نخست می‌توان گفت که آموزش مهارت حل مسئله افراد، مهارت‌هایی همچون بارش فکری و شیوه گفتگوی متقابل را

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

فرا می‌گیرند، که به آن ها کمک می کند تا به گونه‌ای مفید و مؤثر به صحبت‌های همدیگر گوش فرا دهند و با یکدیگر گفتگو نمایند، تا از طریق بحث متقابل یا مشارکت جویی مشکلات و مسائل خود را حل نمایند. با این روش می‌توان همکاری زوجین را در حل مسائل افزایش داد. نتایج یافته‌های این بخش با نتایج یافته‌های هانسون و لندبلند (۵) و نتایج پژوهش شفیعی‌نیا (۱۵)، مبنی بر آموزش مهارت های ارتباطی و حل تعارض به همسرانی که در تعاملات زناشویی مشکل داشتند، باعث بهبود روابط زناشویی زوجین و کاهش تعارضات می گردد، هم سو است.

یافته های پژوهش مبین تأثیر آموزش گروهی مهارت حل مسأله بر بهبود روابط جنسی زوجین است. نتایج یافته‌ها با نتایج یافته‌ی شفیعی‌نیا (۱۵) و فرح‌بخش (۳) و مارتین (۱۸) تا حدودی هم سو است. در تبیین نتیجه این فرضیه میتوان گفت که روابط جنسی یک منبع پر انرژی و مهم جهت حل تعارضات زناشویی می باشد و نیاز است که همسران به آن توجه خاصی داشته باشند و در زمینه های مختلف حول محور تعداد برقراری رابطه جنسی، مکان، زمان ارضاء و کیفیت آن اتفاق نظر داشته باشند. از آن جا که آموزش مهارت حل مسأله در صدد تأثیر گذاری بر بهبود رفتار جنسی و آگاه ساختن زوجین از امور جنسی و دادن اطلاعات بیشتر در زمینه رفع نارسایی های آنان در برقراری روابط جنسی می باشد، می تواند به افزایش صمیمیت زوجین و کاهش تعارض آنان منجر گردد.

نتیجه گیری:

نتایج، تایید کننده اثربخشی آموزش گروهی مهارت حل مسأله بر کاهش واکنش های هیجانی زوجین بود. یکی از مهمترین مشخصه‌های موقعیت‌های مسأله آفرین در تعارضات زناشویی را واکنش‌های هیجانی افراد می‌دانند. جهت‌گیری مثبت به مسئله، باعث دور نگه داشتن هیجان های منفی (افسردگی، اضطراب و خشم) و جهت‌گیری منفی، باعث پاسخ‌های تکانشی، اضطراب و اجتناب از رویارویی با مسأله می‌گردد. در تبیین نتیجه این فرضیه می توان گفت آگاهی هیجانی و توانایی تشخیص و ابراز هیجانات، نقش اساسی در کیفیت ارتباط زناشویی دارد. استفاده از مهارت های سازنده حل مسأله برای رفع مشکل و بکارگیری عاطفه، احساس و کنترل هیجانات منفی و تأثیر متقابل آنها بر روی یکدیگر، نقش مهمی در کاهش تعارضات و ابعاد آن و کاهش واکنش های هیجانی دارند. این یافته با نتایج پژوهش های مومنی (۱۴)، شفیعی نیا (۱۵) و خوشکام (۱۶) و ورهوفستد (۱۹) هم خوان و هم سو می باشد.

یافته های پژوهش فرضیه چهارم، مبنی بر تأثیر آموزش گروهی مهارت حل مسأله بر کاهش جلب حمایت فرزندان را رد نمود. هنگامی که زوجین درگیر تعارضات شدید هستند هر کدام به طریقی درصدد جلب حمایت فرزندان می‌باشند تا با آنان ائتلافی در مقابل دیگر هم سر بوجود آورند. در تبیین اثر بخش نبودن نتیجه بدست آمده از این فرضیه، می‌توان گفت احتمالاً کاهش جلب حمایت فرزندان بیش از اینکه مربوط به رابطه دو نفری و قابل دستکاری زوجین باشد به رابطه خارج از آن ها ارتباط داشته و در نتیجه تغییر آن مستلزم دوره طولانی‌تر آموزش و حضور فرزندان در دوره آموزش می‌باشد. نتایج این یافته با یافته‌های پژوهش سودانی و همکاران (۱۰) هم سو می‌باشد.

یافته های پژوهش، مبین اثر بخشی آموزش گروهی مهارت حل مسأله، بر کاهش روابط فردی با خویشاوندان است. در شرایط تعارض زای زندگی زناشویی، رابطه فردی هر یک از همسران با خویشاوندان و دوستان خود افزایش می یابد و این باعث می گردد که خانواده هریک از زوجین، معمولاً درجبهه موافق با زن و شوهر قرار بگیرند، دخالت خانواده هریک از آنان منجر به در حاشیه ماندن طرف

Email:rsj@iums.ac.ir

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

دیگر شده و او را دچار احساسات منفی نسبت به رابطه خود با همسرش می کند (۱۱). در تبیین نتیجه حاصل از این فرضیه، آموزش مهارت حل مسأله به زوجین، یاد می دهد که به جای ارتباط بیشتر با خانواده اصلی و دوستان خود، به گفت و گو و ارتباط بیشتر با همسر بپردازند. نتایج این فرضیه با نتایج خوشکام و همکاران (۱۶)، حیدری (۱۷) و عامری (۲۰) هم سو می باشد.

نتایج همچنین نشان دهنده اثربخشی آموزش گروهی مهارت حل مسأله بر افزایش روابط خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان بود. این یافته ها یا نتایج پژوهش شفیعی‌نیا (۱۵) گرجی (۲۱) و حیدری (۱۷) و جوانینگ (۲۲) تا حدودی هماهنگ می‌باشد. در تبیین این نتیجه، می‌توان گفت که آموزش مهارت حل مسأله به افراد، در مورد شیوه‌های برخورد با خویشاوندان همسر و دوستان آموزش‌های مفیدی ارائه می‌نماید که در بهبود رابطه آنان با خانواده همسر و دوستان سودمند است. همچنین مهارت حل مسأله از بالا گرفتن تعارض زوجین و به دنبال آن دخالت خانواده همسر و شکل‌گیری خصومت، جلوگیری می‌کند.

یافته های پژوهش، حاکی از تأثیر آموزش گروهی مهارت حل مسأله بر کاهش تعارضات مالی بود. در تبیین نتیجه حاصل از این پژوهش می توان گفت که آموزش گفتگوی مؤثر و حل مسأله می تواند نظر زوجین را در خصوص خرج کردن پول و کسب درآمد مشترک به هم نزدیک نماید و تعارضات مالی زوجین کاهش یابند. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش شفیعی نیا (۱۵) و حیدری (۱۷) هم سو است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، آموزش مهارت حل مسأله به عنوان رویکردی عینی، ملموس و متکی بر جنبه‌های ارتباطی بین همسران، از جمله مهارت‌های سازنده‌ای است که می‌تواند مسائل و مشکلات ارتباطی بین همسران را کاهش دهد، همچنین آگاهی زوجین از طبیعی بودن اختلاف ها و شیوه نگریستن زوجین به تعارض، به عنوان یک مسأله و چالش برای حل کردن، و نه یک عامل تهدید، می‌تواند در حل تعارضات به آنان کمک نماید. از این رو این رویکرد می تواند خدمت ارزشمندی به زوجین متعارض محسوب گردد.

محدودیت های پژوهش

شناسایی و شرکت دادن زوج های دارای تعارض که با رضایت خاطر و به صورت منظم در این گونه پژوهش‌ها شرکت نمایند دشوار و نیاز به صبر و حوصله محقق دارد. همچنین حجم کم نمونه های مورد مطالعه نیز از محدودیت های این مطالعه بود.

تقدیر و تشکر:

نویسندگان مقاله بدین وسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را از شرکت کنندگان در این تحقیق ابراز می دارند.

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

منابع

1-Sarokhani B, Introduction to family sociology, Sorosh Publication, 2000, p23.

2- Markman H J, & Halford W K. International perspectives on couple relationship education. Family Process, (2005); 44: 139–146.

3- Farahbakhsh K, Survey of marital counseling effectiveness based on cognitive approach, reality therapy of Glicer, canceling research journal. 2007; 5(18): 33-58

4- Cummings E M, Faircth W B, Mitchell P Cummings J S, Charmerhorn A C. Evaluating a brief prevention program for improing marital conflict in community family. Journal of family Psychology. 2002; 22(2): 193-202.

5- Kline GH, Pleasant N D, Whiltton S W, MarKman H J. Understanding couple conflict. In A.L. 2006; Vangelisti & D.

6- Davies P T, Harold G T, Goeke-Morey M C, Cummings E M,. Children's emotional security and interparental conflict. Monographs of Society for Research in Child Development. 2007; 67(3), 270

7- Ghaderi Z, Tabrizi M, Ghodci A, Effectiveness of setir effectiveness on coping styles in marital conflict, Andishe Va Rafter journal. 2008; 3(11), 20-28.

8- Saif A, Behavior changes and behavior therapy, Theory and Methods, Nashr Doran publication, Tehran, 11ed, p34.

9- Shafee Abadi A, Shams S, Survey of effectiveness of group therapy in problem solving program in youth that committed suicide, Journal of Tazeha Va Pajoheahai Moshavereh, 2010; 2(5): 23-33.

10- Sodani M, survey of effectiveness of couple therapy with ALIS cognitive therapy in reducing marital conflict, Journal of knowledge and research in Psychology. 2009; 37: 123-130.

11- Sanai B, Bagherian Nejad z, Survey of marital in satisfaction aspects in men and women in divorce in isfahan city, knowledge and research in Psychology. 2008; 15(15): 232-239.

12 - Halford W K, Markman H J, Stanley S, Kline G. Best practice in relationship education. Journal of Marital and family therapy. 2003; 29(3), 385-406.

13-Barati T, Effect of marital conflict on bilateral Relationship between men and women, Thiess for MsA in Psychology, Azad University of Rodehen, 2001.

14- Momeni M, Survey of Effect of social skills on marital conflict A Thiess for MsA in psychology, Azad University, 2000.

15- Shafienia A, Survey of Effect of systematic conflict solving skilles program for couples in reducing marital conflict, A Thiess for MsA in psychology, Alzahra University, 2004.

16-Khoshkam S, Ahmadi A, Abedi MR, Effect of communication relationship in couple relationship in Isfahan, journal of Tazeha Va Pajoheshhai Moshavereh. 2009; 6(24): 124-126

17- Haidari H, Survey of Effectiveness of systematic motivational counseling program for couples in reducing marital conflict, a dissertation for PhD in psychology, Azad Olom Tahghighat University, 2009.

18-Martin N, GHarden KP, TurkheimevE, Emery R, E.Donofrie BM, Slutske S, Heat AC. Marital conflict and conduct problems in children of twins department of Psychology University of vrginia, Box400400, charto ttesville. 2009; 229, 2, USA.

19- Verhofstad. L. Buysse Ann clercq Ad Goodwin. Emotional arousal and negative effect in marital conflict: the influence of gender conflict structure and demand-withdrawal European journal of social psychology. 2009; 35(4): 449.

20- Ameri F, Norbala A, Ejei J, Rasolzadeh SK, Survey of affect of family therapy strategy in marital conflict solving, Journal of Psychology. 2003; (7(3): 127

21-Gorjy H. Survey of Effectiveness group counseling by conflict solving in reducing

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

marital conflict for in divorce couple of Commite Emdad Refering couple in Tehran MsA Thisess in psychology, Azad Olom Tahghighat University, 2009.
22- Joaning H. The long term effects of the couple communication program, Journal of Marital & Family Therapy. 2009; 8 (4), 463-468.

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]

Reducing marital conflict by educating problem-solving skill in couple referring to counseling Center of Imam Khomaini Committee, Ilam

Mami Shahram: Assistant Professor, Azad University of Medical Sciences, Ilam, Iran. shahram.miami@yahoo.com

Safari Abdolmohamad: PhD Student of Clinical Psychology, Azad University of Medical Sciences, Ilam, Iran. safaria@yahoo.com

Mansourian Morteza: Assistant professor, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. mansourian55@gmail.com

Qorbani Mostafa: Departments of Community Medicine, School of Medicine, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran and Non-Communicable Diseases Research Center, Endocrinology and Metabolism Research Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. mqorbani1379@ yahoo.com

Keikhavani Satar: Assosiat Professor, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran. skaikhavani@yahoo.com

Background and objectives: One of the common problems in the couple's relationship is marital conflict that can lead to depression, addiction, and spousal abuse, verbal or physical conflict between married couples. The aim of this study was survey of the effectiveness of problem-solving skills on marital conflict in couple referring to counseling Center of committee of Imam khomini of Ilam city, 1390.

Materials and Methods: This study was case control quasi-experimental. The participants were the Couples that had marital conflict and referring to committee Eimam Khomini of Ilam city. The sample was 12 couples that divided in case and control group by simple random sampling. The case group participated in 8 section problem solving skills program. The data gathering devise was questionnaire and the data performed by T test and ANOWA Test in SPSS software. A p-value Less than 0.05 was considered as significant.

Results: The results showed that the mean scores of case and control was significantly deference in cooperation increased, sex cooperation, reduce of emotional reactions, loss of personal relationships with his family, enhancing relationships with relatives and friends and spouse. Financial independency. ($p < 0.05$).

Conclusion: The results shows the significant relationship between case and control group in controlling marital conflict so it seems having educational program based on problem solving skills is necessary for couple with marital conflict.

Key words: Marital Conflict, Problem Solving Skills, Education

[Downloaded from rsj.iums.ac.ir on 2026-11-11]